

کودک همسری و خسارات معنوی ناشی از آن از منظر فقه و حقوق

فاطمه ویس کرمی، مهدیه خدادادی، نازنین اسکندریان¹

چکیده

کودک همسری به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی در هر عصر و جامعه‌ای مصادیق خاص خود را دارد؛ در حقوق موضوعه ایران، ازدواج دختر قبل از پایان نه سال قمری و پسر قبل از اتمام پانزده سال قمری، کودک همسری بشمار می‌آید؛ در این پدیده به دلیل نرسیدن فرد به بلوغ، او در معرض خسارات مادی و معنوی قرار می‌گیرد. محورهای مختلف خسارات معنوی کودک همسری، همچون ادله‌ی جواز یا عدم جواز، راه‌های پیشگیری از وارد شدن خسارات معنوی در کودک همسری، ادله و راه‌های جبران این خسارات ناشی از این پدیده مورد بررسی و تحلیل فقهی و حقوقی قرار گرفته است. برای جبران این آسیب‌ها ادله قرآنی، روایی وجود دارد و در حقوق نیز برخی مواد قانونی ناظر به جبران این نوع خسارات است. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به این موضوع از منظر فقه و حقوق پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: کودک، بلوغ، کودک همسری، خسارت معنوی

مقدمه

ازدواج از مهم ترین پیوندها و مرسوم ترین ارتباط ها در تمام جوامع بشری است. این پیوند ممکن است انگیزه های گوناگونی داشته باشد، که فرد برای پاسخ به آن روی به رابطه زناشویی با فرد دیگری می آورد تا نیازش را در او جستجو و پیدا کند. عمده دلیل احساس نیاز به این ارتباط مسئله نیاز عاطفی و جنسی است، اما باید توجه داشت که لازمه پایداری این پیوند علاوه بر احساس نیاز رسیدن به بلوغ جنسی، عقلی و عاطفی است. فرد بالغ با شناخت مناسب از شرایط و موقعیت خود، با فکر و منطق و نه تنها از روی نیاز نسبت به آن اقدام می کند. با وجود اینکه سن خاصی برای رسیدن به این بلوغ وجود ندارد اما از نظر روانشناسی فرد قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی از ثبات شخصیتی کمتری برای انتخاب شریک زندگی خود برخوردار است. حال اگر فردی قبل از دست پیدا کردن به این بلوغ بخواهد ازدواج کند طبعاً درکی از مسئولیت های خود نداشته و انتظارات فرد مقابل را نیز پاسخ نمیگوید در نتیجه در ادامه مسیر خود دچار تزلزل و سردرگمی میشود که با توجه به غالب بودن احساس بر منطق در این بازه سنی فرد دچار ضربه های روحی میشود. این ازدواج با عنوان کودک همسری شناخته می شود که در مکاتب مختلف از واژه کودک در این عبارت تعبیر مختلفی استخراج میشود که مقصود همان نرسیدن به رشد و بلوغ کافی است. این معضل که بخش قابل توجهی از آمار طلاق را در جامعه نیز به خود اختصاص داده منحصر به جوامع اسلامی جهان سوم نیست و در جوامع غربی نیز رشد قابل توجهی داشته است. در مقاله حاضر قصد داریم این معضل فراگیر اجتماعی را از دیدگاه فقه و حقوق با استناد بر شواهد اجتماعی و روانشناسی بررسی کرده و به علل بروز و آسیبهای ناشی از آن بپردازیم.

1- مفهوم شناسی:

1-1) مفهوم کودک:

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می شود که معادل آن در زبان عربی طفل است. (انوری، 1383، ص 5989) (ابن منظور، 1299، ج 11، ص 401) در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن ها (فرزندان) اطلاق می گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می نامند.» (فیومی، 1414، ج 1، ص 374) به علاوه در کتب لغت چند مرحله از سن کودک قبل از بلوغ به طور خاص مورد توجه قرار گرفته و عبارتند از :

1- جنین: کودک تا زمانی که در رحم مادر است، «جنین» نام دارد. ابراهیم انیس و دیگران ، 1409ق، ج 1، ص 141) فیومی از لغت شناسان معروف می گوید: جنین وصف کودک است تا زمانی که در شکم مادر است و با آنچه جمع بسته می شود. هر چند در لغت عرب کودک بر جنین در رحم مادر اطلاق شده، ولی در محاورات رایج عرفی و نیز در اصطلاح فقیهان متداول نیست و استعمال نمی شود و به جهت این که مستور و پوشیده است، این نام بر او گذاشته شده است. (فیومی، 1414ق، ج 1، ص 111)

2- رضیع: کودک بعد از تولد، در زمان شیرخوارگی «رضیع» نام دارد (عمید، 1328 قج 2، ص 1046) «رضع الصبی» در زبان عربی به کودکی گفته می شود که شیر مادر را از پستان او می خورد. (فراهیدی، 1405ق، ج 1، ص 270)

3- کودک ممیز: این کلمه از ماده ی تمیز گرفته شده و به معنی جدایی اشیاء از یکدیگر است و در جایی به کار می رود که چند چیز با یکدیگر مشتبه شده باشند و فرد یا افرادی آن ها را مشخص و از یکدیگر جدا سازند. همچنین در قرآن آمده است: "لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ" (انفال، آیه 37) تا این که خداوند افراد پلید را از پاکیزه جدا سازد. بنابراین کودک ممیز، کودکی است که می تواند سودوزیان خود را تشخیص دهد (ابولحسن، 1423ق، ج 5، ص 289) در مصباح المنیر نقل شده است: (در مغز انسان که به او توانایی میدهد معانی و مفاهیم تمیز قوه ای است) را از یکدیگر جدا ساختن و مشخص نماید. (فیومی، 1414ق، ج 1، ص 587) غیر ممیز هم بر کودکی اطلاق می شود

که به این حدّ از فهم نرسیده و قدرت تشخیص سود و زیان خود را ندارمانند کودکان شیرخوار و بچه های سه - چهار ساله.

4-کودک مراقب: کودکی است که نزدیک به احتلام و در شرف بلوغ باشد،(ابراهیم انیس و دیگران، 1409ق، ج1، ص378) چه دختر و چه پسر. در لسان العرب آمده است، کودک ده - یازده ساله را مراقب گویند.(ابن منظور، 1338ق، ج10، ص130)

5- غیر مراقب: کودکی است که هنوز در ابتدای دوره ی تمیز باشد و تا زمان بلوغ او، چند سال باقی مانده و علائم آن در وی ظاهر نشده باشد.

در اصطلاح حقوقی هم کودک یا «صغیر» به کسی اطلاق می شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده است.(صفائی، قاسم زاده، 1396، ص174) با این توضیح که در قوانین مدنی کلمه ی کودک مترادف با صغیر و طفل به کار رفته است و صغیر کسی است که بالغ و رشید نشده باشد.(امامی، 1374، ج5، ص187) یکی از صاحب نظران در حقوق مدنی در این باره می گوید: «صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن به نموّ جسمانی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد.(همان، ص243) لیکن این تعریف خالی از ابهام نیست، زیرا معلوم نیست که نموّ جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی در چه زمانی حاصل می شودالبته قبل از اصلاح قانون مدنی در سال 1361، صغیر به کسی گفته می شد که به سن هیجده سال تمام نرسیده بود، ولی با حذف ماده 1209 و اصلاح ماده 1210 و در نتیجه لغو 18 سال به عنوان سن کبر، امروزه مفهوم صغیر در فقه و حقوق مدنیکیسان است. از نگاه کنوانسیون حقوق کودک، پیمان نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند دولت هایی که این معاهده را امضا کرده اند موظف به اجرای آن هستند همچنین شکایات مرتبط با این معاهده به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می شود. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از دوم سپتامبر ۱۹۹۰ لازم الاجرا شده است ۱۹۳ کشور تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا این سند را تصویب کردند یا به آن ملحق شدند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که به امضای آن تاکنون اکتفا کرده است. پیمان نامه مذکور به نوعی مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد در مفاد این پیمان نامه و در ماده اول آن مفهوم کودک اینگونه تعریف می شود: از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر

تشخیص داده شود لکن ماده یکم کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک سن زیر ۱۸ سال را در صورتی سبب اطلاق واژه کودک می‌شمارد که استثنای ذکر شده یعنی "به موجب قانون قابل اعمال کمتر از آن سن بلوغ شمرده نشود" را نتوان یافت لذا این معیار بر حسب قوانین مختلف قابلیت انعطاف خواهد داشت و می‌تواند خود را با قوانین کشورهای گوناگون منطبق سازد. (آزادی، ۱۳۹۹، ص ۲۶)

در اصطلاح فقهی هم به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. این تعبیر در بسیاری از مباحث به چشم می‌خورد. مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده مطلقاً - پسر باشد و یا دختر - از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین اوست و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آن ها تبعیت می‌نماید. این مسأله بین فقها اجماعی است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد. (طباطبائی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۰۹) در مسأله نماز بر طفل میت هم آمده است: «بر جنازه ی طفلی که به حدّ بلوغ نرسیده باید دعا شود. (طباطبائی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵۵). این معنی، از کلمات فقها در مباحث مربوط به بلوغ نیز به خوبی استفاده می‌شود. زیرا تکلیف و رفع حجر از کودک را، مشروط به بلوغ دانسته اند. (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۴۰). به اتفاق فقها، پایان محجوریت کودک و آغاز استقلال در اداره ی امور و استیفای حقوق خود، با رسیدن به مرحله ی رشد تحقق مییابد. (فاضلابی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۵۲) لازم به ذکر است برخی از فقیهان در این مسأله ادّعی اجماع نموده اند. (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۶، ص ۴۸) امام خمینی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «در رفع حجر از کودک، بلوغ وی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید به مرحله ی رشد برسد». (خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۳) در کل دیدگاه مشهور بین فقها، رشد را به معنی اصلاح امور مالی و توان تدبیر در این زمینه می‌داند. رشید هم کسی است که دارای این صفت باشد. مرحوم محقق حلّی می‌گوید: «دومین شرط که برای واگذاری اموال کودک به او نیاز است، رشد است که به معنی اصلاح امور مالی است». (محقق حلّی، ۱۲۶۷، ج ۲، ص ۸۵) این عبارت در کلمات بسیاری از فقها دیده می‌شود.

و متوقف بر اجازه صغیر یا صغیره پس از بلوغ می باشد که اگر اجازه دهد، مهر مستقر میشود و گرنه به مهر المثل تبدیل میشود. (موسوی خمینی، 1385، ج 2، ص 259)

نتیجه گیری

دانستیم که کودک همسری به معنای ازدواج در سنین قبل از 18 سالگی است. هر چند ازدواج از جمله مسائلی است که نمیتوان سن مشخصی برای آن تعیین کرد و افراد برای ورود به مقوله ازدواج باید قبل از سن مناسب به بلوغ عقلی و عاطفی و جسمی برسند اما عموم افراد پیش از سن 18 سالگی به دلیل بودن در دوره ای حساس و احساسی در زندگی خود به آن حد از بلوغ عقلی دست نیافته اند که بتوانند برای اداره یک زندگی مشترک و درک و پاسخ به نیازهای متقابل همسر به درستی عمل نمایند. ولی متأسفانه به دلایلی چون فقر فرهنگی و اقتصادی این امر به وقوع میپیوندد و باعث بروز مشکلات روحی و جسمی مختلفی میگردد که این معضلات گریبان گیر زوج کودک، خانواده ی طرفین و جامعه میشود. یکی از اقدامات برای پیشگیری از کودک همسری، آگاهی نسبت به پیامدهای این معضل است. محرومیت کودک از اصلیتترین حقوق خود همچون آموزش و بهداشت و نیز نتایجی مانند خشونت خانگی و اقدام به خودکشی و به تبع آن درگیری جامعه با این مشکلات خود عواملی است که لزوم شناخت، پیشگیری و جبران خسارات وارده از کودک همسری را نمایان می سازد. با علم به موارد مطرح شده در فقه و حقوق اسلامی نسبت به موضوع کودک همسری درمی یابیم که شرط مجوز این نوع ازدواج، رعایت اصول و موارد خاص آن و همین طور در نظر داشتن ویژگی ها و شرایطی خاص است که اول از همه رفاه و آرامش جسمی و روحی کودک را دربر می گیرد و در ادامه نیز موجب ایجاد خانواده ای سالم و پویا و بانشاط در جامعه میگردد زیرا طبق قانون مجازات اسلامی هرگونه آسیب و ضرری متوجه کودک شود جرم و دارای تبعات برای همسر کودک خواهد بود.

منابع

*قرآن کریم

- 1- ابراهیم انیس و دیگران (1392). معجم الوسیط (چاپ 4). قم: نشر اسلامی.
- 2- ابن زهره حلی، حمزه بن علی (1392). غنیه النزوع. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد .
- 3- ابن منظور، محمد بن مکرم (1375). لسان العرب (چاپ 4). بیروت: نشر دار بیروت.
- 4- ابوالحسین، احمد بن فارس (1387). مقاییس اللغه (چاپ 3). قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- 5- امامی، سید حسن (1374). حقوق مدنی (چاپ 10). قم: نشر اسلامی.
- 6- امراللهی نیا، مهدیه (1399). رساله دکتری کودک همسری و خسارات معنوی ناشی از آن از منظر فقه و حقوق
- 7- انوری، حسن؛ اخبانی؛ جمیل (1381). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن.
- 8- آزادی، کمیل (1399). کودک همسری. تهران: ناشر آرون .
- 9- بستان نجفی، حسین (1388). اسلام و تفاوت های جنسیتی (چاپ 1). قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- 10- حکیم، سید محسن (1391 ق). مسالک الافهام (چاپ 4). قم: نشر دارالتفسیر .
- 11- خمینی، سید روح الله (1379). تحریر الوسیله. تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .
- 12- خویی، ابوالقاسم (1418 ق). المستند فی شرح الحاروه (چاپ 1). قم: نشر التوحید للنشر .
- 13- دانشگاه سیستان و بلوچستان (1383). مطالعات روانشناسی تربیتی: نشر انجمن علمی روان شناسی تربیتی ایران .
- 14- دیانی، عبدالرسول (1387 ش). حقوق خانواده، (چاپ 1). تهران: نشر میزان .
- 15- ریحانی، تارا (1399). نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (چاپ 2). تهران: نشر موسسه آموزش عالی نگاره .
- 16- شهید ثانی، علی بن احمد عاملی (1381). مسالک الافهام (چاپ 2). قم: بنیاد معارف اسلامی .

- 17- صفائی، سیدحسین؛ قاسم زاده، سیدمرتضی (1400). حقوق مدنی اشخاص و محجورین (چاپ 28). تهران: نشر سمت.
- 18- طباطبائی مجاهد، سیدمحمد (1380). المناهل. قم: مؤسسه اهل البيت عليهم السلام لإحياء التراث .
- 19- طباطبائی، علی بن محمد (1374). رياض المسائل. اصفهان: نشر بوستان کتاب.
- 20- طباطبائی، علی بن محمد (1368). الشرح الصغير. قم : کتابخانه عمومی آیه الله.
- 21- طباطبائی یزدی (1396). العروه دختري الوثقي (چاپ 2). قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
- 22- طباطبائی، حکیم (1391 ق). مستمسک العروه الوثقي (چاپ 4). قم: نشر دارالتفسیر .
- 23- طبرسی، فضل بن حسن (1408). مجمع البیان (چاپ 2). بیروت : ناشر دارالمعرفة .
- 24- طوسی، محمد بن حسن. التبیان. بیروت: ناشر دار إحياء التراث العربي.
- 25- علامه حلی (1414 ق). تذکره الفقهاء. قم: نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث .
- 26- عمید، حسن (1375). فرهنگ فارسی عمید (چاپ 6). تهران: نشر امیرکبیر.
- 27- فاضل آبی، حسن بن ابیطالب (1401). کشف الرموز. قم : عاصم .
- 28- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (1387). کنز العرفان (چاپ 3). قم: نوید اسلام .
- 29- فراهیدی، خلیل ابن احمد (1364). کتاب العین. تهران: نشر دارالهجره.
- 30- فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری (1397).
- 31- فیومی، احمد بن محمد (1397). مصباح المنیر (چاپ 2). تهران: نشر دارالهجره.
- 32- قائمی امیری، علی (1389). دنیای بلوغ. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- 33- قلعه جی، محمدرواس (1430). معجم لغت فقها. قم : ناشر ذوی القربی .
- 34- کلینی، محمد بن یعقوب (1407). الکافی (چاپ 4). تهران : ناشر دارالکتب الإسلامية.
- 35- محقق حلی، جعفر بن حسن (1408). شرائع الاسلام (چاپ 2). قم : ناشر اسماعیلیان .

- 36- محقق داماد (1379). بررسی فقهی خانواده (چاپ 7). تهران: نشر مرکز نشر علوم اسلامی .
- 37- محمدی ری شهری، محمد (1390). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث (چاپ 4). قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث .
- 38- مروارید، علی اصغر (1410ق). سلسله الینابیعالفقهیه (چاپ 1). بیروت: نشر دار التراث .
- 39- نجفی، محمدحسن (1362). جواهر الکلام (چاپ 7). بیروت: دار احیاء التراث العربی .
- 40- نوری همدانی (1388ش). هزارویک مسئله فقهی: مجموعه استفتائات. قم: نشر مهدی موعود (عج)
- 41- ولایی (1387). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول (چاپ 5). تهران: نشر نشرنی .